

گوهرین یادگار «گوهرشاد»

مروری بر تاریخ مسجد جامع مشهد در آستانه سالروز ساخت آن

پایین پای حضرت، در دست زیر سقف گنبدی مسجد گوهرشاد، چشم حکم پرنده‌ای را دارد که در باغ‌های بهشت از شاخه‌ای به شاخه دیگری می‌دود. نقش‌های اسلیمی تافته در هم، شکست نور در آینه ایوان و دستی که سبز و فیروزه‌ای را در کنار هم نشانده تا آخرای گل‌هایی که هرگز به خزان نمی‌نشینند، بیشتر به صورت لیخند پرند، تنها گوشه‌ای از زیبایی مکانی است که کلمات در توصیفش الکن هستند. بی جهت نیست که نام مسجد گوهرشاد در ابتدای فهرست مساجد زیبای ایران نوشته شده است. مسجدی که تاریخش حکایت کوتاهی از فعالیت‌های فرهنگی بانویی است که مشهده قرن نهم را به شهری آباد تبدیل کرد و از آن پایتختی برای گسترش فرهنگ و توسعه علم ساخت. گزارش پیش رو مروری است بر اقدامات فرهنگی گوهرشاد بانو و روایت تاریخ مسجد جامع شهر به بهانه پانصد و هشتاد و یک ساله شدن آن

● سال‌ها پس از چنگیز
سال‌ها پس از خاموش شدن آتش ویرانگری چنگیز در دشت خراسان، شاهرخ میرزا بر اریکه سلطنت تکیه زد و با تأیید پدرش گوهرشاد خاتون را که دختر یکی از امرای نامی تیمور گورکان بود، به همسری برگزید. او که زنی ادیب و دانش دوست بود، توانست در طول حیات خود با توسعه مراکز فرهنگی، خاندان تیموری را که تا پیش از آن به سبب خون‌ریزی‌های تیمور لنگ در نظر مردم مشتکی جانی و غارتگر شناخته می‌شدند، به قومی دانش دوست

● بایسنقر و بی‌انداختن مسجد شهر
بایسنقر میرزا در سال ۸۱۷ خورشیدی از طرف پدرش شاهرخ به حکومت خراسان غربی که مرکز آن مشهد بود، رسید و پس از مدت کوتاهی راهی این دیار شد. بایسنقر قریب ۲۰ سال بر خراسان حکومت کرد و به توصیه مادرش، سنگ بنای مسجد گوهرشاد را بنا نهاد. روایت است وقتی گوهرشاد خاتون برای زیارت و نظارت بر ساخت مسجد جامع به مشهد آمد، قندیلی طلا به وزن ۳۰۰۰ مثقال را پیشکش حرم رضوی کرد و فرمان داد در مکان فعلی محله

و فرهنگ پرور تبدیل کند. این تغییر وجه حاصل نمی‌شد مگر با ساخت مسجد و مدرسه، آن هم در زمانه‌ای که هنوز بوی سوخته شدن کتاب‌ها و کتاب‌خانه‌های نیشابور در دماغ مردم مانده بود. نداشت. همین امر هم سبب شد وقتی به مرکزیت خراسان غربی در آمد، گوهرشاد خاتون، معمار مخصوص خود «قوام‌الدین شیرازی» را مأمور کند تا برای مشهد، مسجدی متناسب با شأن نویافته‌اش بسازد. گوهرشاد خاتون برای این مهم، زمین یک هکتاری در کنار حرم حضرت رضاع را نشان کرد و قوام‌الدین شیرازی در آن بناهی با وسعت ۲۰۰ تا ۲۰۰ متر مربع ساخت که شامل یک صحن بزرگ، یک ایوان رفیع در قبله صحن یا گنبدی باشکوه بر روی آن، به اضافه دو مناره یا گلدسته در دو طرف گنبد، هفت شبستان (فضای سر پوشیده) و چند در ورودی می‌شد. ساخت این مسجد عظیم و رواق‌های ضمیمه آن (دارالسیاده، دارالحفاظ و دارالسلام) حدود ۴ سال طول کشید.

● موقوفاتی برای مسجد گوهرشاد
قطعا مسجدی با این شکوه و عظمت را نمی‌توان بدون پشتوانه مالی رها کرد. از همین رو گوهرشاد بانو، ۸ سال پس از اتمام بنای مسجد، املاک فراوانی را که در مشهد تربت جام و دیگر شهرها داشت، وقف مسجد کرد و شرایط اداره و خرج درآمد آن‌ها را در وقف‌نامه‌ای شرح داد. این وقف‌نامه در نیمه ماه رجب سال «۸۲۹» خورشیدی «تحریر شده و به امضای واقعه (بانو گوهرشاد)، همسرش (شاهرخ) و تنی

این مسجد تنظیم کرد که بر اساس آن املاک زیادی در شمال و غرب مشهد آن زمان و حتی شهر تربت جام وقف مسجد جامع شهر شد؛ به عنوان مثال یک نمونه اراضی وقفی گوهرشاد در مشهد، اراضی ۳۰۰ هکتاری سرده و سعدآباد است که اکنون محدوده مستوفی کال قره‌خان تالفکه فردوسی را شامل می‌شود.

مهدی سیدی؛ مشهدشناس و سرپرست نویسندگان کتاب «مسجد و موقوفات گوهرشاد» دامنه موقوفات گوهرشاد خاتون را در سازه‌های برج‌مانده از او نمی‌داند و با «فرهنگ‌ساز» خواندن او، چنین توضیح می‌دهد: «در زمان این بانو، وسعت ابنیه حرم مطهر از ۲۰۰ متر مربع تجاوز نمی‌کرد. این گوهرشاد بود که رواق‌های دار الحافظ، دارالسیاده و دارالسلام را نیز ضمیمه این مسجد ساخت. چند سال بعد هم وقفنامه‌ای برای

سعدآباد قبلا یک خیابان به نام او تابلو خورده بود که حدفاصل فلکه سعدآباد (میدان تختی کنونی) تا فلکه صاحب‌الزمان (عج) قرار داشت. همچنین خیابان مطهری شمالی هم که این معبر را قطع می‌کرد به نام شوهر گوهرشاد یعنی شاهرخ نام‌گذاری شده بود. این مشهدپژوه در پایان پیشنهاد می‌کند که خیابانی در مشهد را به نام این بانو مزین کنیم: «تاکون وزرا، و کلا و شاهان بسیاری به مشهد آمده‌اند و هدایا و املاک وقفی بیشماری را هم در این شهر از خود به یادگار گذاشتند اما هیچ کدام به پای گوهرشاد



پایان برسد، او شروع به احداث مصلای مدرسه‌ای عظیم در شهر هرات با معماری قوام‌الدین شیرازی کرد.

● احداث مصلای مدرسه هرات
بانو گوهرشاد آغا گرچه به عنوان همسر سلطان در امور سیاسی کشور دخالت و مشارکت جدی داشت اما عمده همتش را صرف ساختن بناهای عام‌المنفعه در شهرهای مشهد و هرات می‌کرد. یک سال پیش از آنکه مسجد جامع شهر مشهد به

چند از بنزرگان سیاسی و علمی هرات رسیده است.

● قتل گوهرشاد
اما روزگار بر این مدار ادامه پیدا نکرد و کمیت این خدمات عام‌المنفعه با مرگ همسر گوهرشاد در سال «۸۵۰» ق. لنگ شد. شاهرخ میرزا در سن هفتاد و دو سالگی در گذشت و همسر شصت ساله خود را تنها

خاتم نمی‌رسند. این در حالی است که نه تنها در شهر که حتی در اراضی وقفی خودش هم خیابانی به نام او نیست. در تمام خراسان کهن اگر بگردید مسجدی به نفیسی گوهرشاد پیدا نمی‌کنید و این حاصل درایت این زن است، اما ما مردم و مستولان شهر برای گرامی‌داشت این اقدام بزرگ و تحسین برانگیز چه کرده‌ایم؟ البته بعد از اینکه از فلکه «صاحب‌الزمان» به «میدان شهدا» یک خیابان جدید باز شد، کلی تلاش کردیم که نامش را «گوهرشاد» بگذارند که مستولان وقت نپذیرفتند.

سعدآباد قبلا یک خیابان به نام او تابلو خورده بود که حدفاصل فلکه سعدآباد (میدان تختی کنونی) تا فلکه صاحب‌الزمان (عج) قرار داشت. همچنین خیابان مطهری شمالی هم که این معبر را قطع می‌کرد به نام شوهر گوهرشاد یعنی شاهرخ نام‌گذاری شده بود. این مشهدپژوه در پایان پیشنهاد می‌کند که خیابانی در مشهد را به نام این بانو مزین کنیم: «تاکون وزرا، و کلا و شاهان بسیاری به مشهد آمده‌اند و هدایا و املاک وقفی بیشماری را هم در این شهر از خود به یادگار گذاشتند اما هیچ کدام به پای گوهرشاد

جاذبه‌های دیدنی مسجد گوهرشاد

معماری مسجد
بنای عظیم مسجد، به شیوه حجیم‌سازی و سازه چهار ایوانی با آجرها و مصالح ساختمانی قرن نهم ساخته شده است و یکی از شاهکارهای معماری دنیاست. طاق‌های گنبدی شکل مسجد و مناره‌های آن با تزئینات خاص و استفاده از سبک مقرنس، همچنین نقوش و خطوط دیوار بر روی زمینه گچی و معرق‌کاری ممتاز عصر تیموری، جلوه‌های بی‌نظیری از هنر ایرانی را در قلب حرم مطهر به نمایش گذاشته است.

منبر صاحب‌الزمان
این منبر که در کنار محراب ایوان مقصوره قرار دارد، از چوب گردو و گلابی با شیوه منبت‌کاری و قلم‌زنی به دست پرتوان استاد محمد نجار خراسانی، منبت‌کار معروف عصر فتحعلی شاه قاجار ساخته شده و دارای ۷/۵ متر ارتفاع و ۱۴/۱ ایله است. یکی از عجایب هنری منبر صاحب‌الزمان (عج) این است که در بنای آن حتی یک عدد میخ چوبی یا فلزی کوبیده نشده است. این منبر در سال ۱۳۲۵ شمسی به دست مرحوم استاد «حیدر نیک‌نام گلپایگانی» مرمت شد.

ایوان مقصوره
این ایوان، با حدود ۵۰۰ متر مربع مساحت، ۳۷ متر طول و ۲۵/۵ متر ارتفاع، از باشکوه‌ترین ایوان‌های مسجد و نمونه کامل و برجسته هنر ایرانی به شمار می‌رود. معماری ایوان مقصوره، همه با کاشی‌های معرق نفیس آراسته و در تمام دیوارها و غرفه‌های آن اسما، الهی و آیات قرآن نقش خورده است.

خود را از راه گسرداردن عالمان و هنرمندان و تمرکز ویژه بر فعالیت‌های معمارانه، اراضا می‌کرد، بسیاری از فرمانروایان، امیرزادگان و درباریان پس از او دارای دبستگی‌های علمی-هنری، ادبی و فکری بودند و حتی گاه خود دستی در برخی از این عرصه‌ها داشتند. نام‌هایی چون «الغ بیگ میرزا»، «بایسنقر میرزا»، «اسکندر میرزا»، «ابراهیم میرزا»، «سلطان حسین باقرا»، «غیاث‌الدین پیراحمد خوافی» و «امیرعلیشیر نوبی» در این زمینه شناخته شده هستند. از این رو اهتمام حکومت در پیشبرد فعالیت‌های فرهنگی-تمدنی در بسیاری موارد فراتر از نظام و صحنه آرائی درباری و بنابراین بسیار گسترده و مؤثر بود. حتی اگر به وجود میزانی از رقابت، هم چشمی در مورد برخی از فرمانروایان و دولتمردان در این زمینه‌ها نظر داشته باشیم، نتیجه چیزی جز رونق فعالیت در عرصه‌های فرهنگی-تمدنی نبوده است. در مجموع می‌توان مدعی شد که بخش مهمی از ثروت حکومت تیموری در زمینه فعالیت‌های فرهنگی تمدنی هزینه می‌شد.

جای خالی خیابانی به نام «گوهرشاد» در مشهد

در ادامه با گلابی به اینکه گوهرشاد با توجه به خدمات فرهنگی بسیاری در مشهد گمنام مانده، از حذف نام او از یکی از خیابان‌های شهر می‌گوید: «در همین محدوده اراضی سررده و



است، نشانه‌ای از سختگیری در برخورد با جریان‌های فکری-مذهبی دیده نمی‌شود؛ عنایت ویژه او، همسر و فرزندانشان به مشهد و حرم رضوی در کنار پایبندی‌شان به مذهب سنتی و جماعت نیز گویای همین واقعیت است. در عرصه اجتماعی نیز این همزیستی و سازگاری اعتقادی تا بدان جا بوده که پژوهشگران در توصیف وضعیت دینی این روزگار به ناچار به استفاده از تعبیری چون «اسلام‌علمه»، «اسلام‌مردمی» (یعنی اسلامی که مناسک آن در چارچوب هیچ یک از مذاهب شناخته شده اسلامی اعم از سنی یا شیعه به تنهایی قابل تعریف نیست)، «سنی متشیع»، «شیعه مستمن»، «سنی دوازده امامی»، «روی آورده‌اند. این مدارا و همزیستی در زمینه‌های دیگر از جمله قومیت و زبان نیز وجود داشته است. اینکه امیرزاده ترک و مغول تبار و ترک‌زبان تیموری همچون «بایسنقر میرزا» شیفته شاهنامه فردوسی و ادبیات فارسی باشد و شاهکاری هنری را در مردان به یادگار گذارد و با «امیرعلیشیر نوبی» و «عبدالرحمن جامی» به عنوان دو نماد برجسته زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات ترکی-جغتایی مناسبی نزدیک و دوستانه داشته‌اند، جز در

اهمیت

سوی معماری منحصر به فرد
وبی نظیر مسجد گوهرشاد،
باید این مسجد را کانون
بسیاری از خرداها و
رویدادهای مهم مشهد در
طول تاریخ به ویژه در دوران
مبارزات مردم علیه رژیم
پهلوی دانست.

مساحت

۹۴۱۰ متر مربع

قدمت

دوره تیموری

معمار

قوام‌الدین شیرازی

۸۱۷

سال ساخت مسجد گوهرشاد در «کتاب موقوفات گوهرشاد» سال ۸۱۷ ق. یعنی هم‌زمان با شروع حکمرانی «بایسنقر میرزا» پسر گوهرشاد خاتون در مشهد، ذکر شده اما قدیمی‌ترین کتیبه باقی مانده از آن مربوط به سال «۸۲۱» ق. است.

۱۰۸۴

بخشی از بنای مسجد گوهرشاد در این سال به دلیل زلزله تخریب شد. این زلزله که کانون آن در نیشابور بوده، سبب تخریب گنبد و ایوان‌های مسجد گوهرشاد، رواق‌ها، دارالحفاظ و دارالسیاده می‌شود که تا سال ۸۰۸ ق. مرمت و بازسازی شد.

۱۳۱۴

تجمع مردم مشهد در اعتراض به اجباری شدن طرح بر سر گذاشتن کلاه پهلوی در دوره رضا شاه، مسجد گوهرشاد را به میدان درگیری و کشتار تعداد زیادی از اهالی مشهد، تبدیل کرد. در این حادثه بخش‌هایی از مسجد دچار خسارت شد.

۱۳۳۰

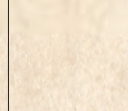
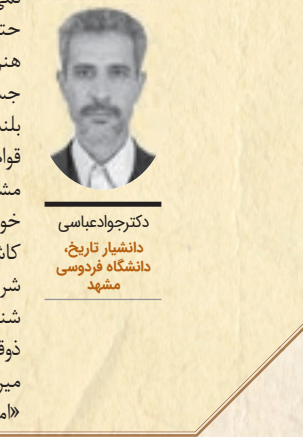
پس از گلوله باران روس‌ها در این سال، گنبد و ایوان‌های مسجد صدمه دید. همین امر سبب شد گنبد، ایوان مقصوره و ایوان‌های شرقی و غربی مسجد در سال ۱۳۳۹ هجری قمری بازسازی اساسی قرار بگیرد.

مهم‌ترین حوادث و رویدادهای رخ داده در مسجد گوهرشاد

بایقرا» از آنان حمایت کرده‌اند. اگر سیاهه‌ای از استادان، دستیاران و شاگردان هر یک از مشاهیر عصر تیموری را فراهم آوریم، این فهرست سر به صد هانفر می‌گذارد. این نوشتار در پی تکرار و تحلیل وضعیت فرهنگی-تمدنی دوره تیموریان نیست، بلکه بر آن است تا به اجمال به چند نکته در زمینه عوامل و بسترهای این وضعیت اشاره کند که در بردارنده درس‌هایی تاریخی برای متولیان و دوست‌داران فرهنگ در عصر حاضر هستند.

● مدارا و همزیستی نسبی فرهنگی، زمینه‌ساز رونق فرهنگی دوران تیموری
یکی از زمینه‌های رونق فرهنگی عصر تیموریان را می‌توان در مدارا و همزیستی نسبی فرهنگی در این دوره جست‌وجو کرد زیرا رونق و شکوفایی در عرصه‌هایی چون نقاشی، موسیقی و ادبیات حماسی و عرفانی جز در فضای مبتنی بر مدارا و سازگاری اعتقادی-فرهنگی ممکن نمی‌شد. دوران تیموری را می‌توان در مجموع دوره تنوع فرهنگی-اعتقادی در چارچوب مذاهب شناخته شده اسلامی دانست. حتی در عصر شاهرخ که به شهرت‌مندی شناخته شده

در مطالعات مربوط به تاریخ عصر تیموریان، پژوهشگران به فراوانی از عباراتی مانند «رنسانس عصر تیموری»، «عصر درخشش فرهنگی»، «درخشش ادبی و هنری» و «عصر زین‌فرهنگی» بهره گرفته‌اند. اگرچه ابعاد، گستردگی و فرازونشیب این رونق فرهنگی-تمدنی در طول این دوران قابل بررسی و گفت‌وگو می‌باشد، اما در اینکه در مقایسه با دوران پیش و پس از آن شاهد نوعی از بویایی و شکوفایی هستیم، نمی‌توان تردید داشت تا آنجا که باید حتی ریشه‌بخش مهمی از درخشش‌های هنری عصر صفوی را نیز در دوره تیموریان جست‌وجو کرد. دورانی که با فهرستی نسبتاً بلندبالا از دانشمندان و هنرمندانی همچون قوام‌الدین و غیاث‌الدین شیرازی، سلطان علی مشهدی، عبدالقادر مراغی، عبدالرحمن جامی، خواجهمیرزا... احرار، غیاث‌الدین جمشید کاشانی، میرک نقاش، کمال‌الدین بهزاد، شرف‌الدین علی یزدی، حافظ ابرو و دیگران شناخته می‌شود که پشتیبانان جدی و اهل ذوقی مانند «شاهرخ»، «گوهرشاد»، «الغ بیگ میرزا»، «بایسنقر میرزا»، «اسکندر میرزا» و «امیرعلیشیر نوبی» و «سلطان حسین



مهدی سیدی؛ مشهدشناس و سرپرست نویسندگان کتاب «مسجد و موقوفات گوهرشاد» دامنه موقوفات گوهرشاد خاتون را در سازه‌های برج‌مانده از او نمی‌داند و با «فرهنگ‌ساز» خواندن او، چنین توضیح می‌دهد: «در زمان این بانو، وسعت ابنیه حرم مطهر از ۲۰۰ متر مربع تجاوز نمی‌کرد. این گوهرشاد بود که رواق‌های دار الحافظ، دارالسیاده و دارالسلام را نیز ضمیمه این مسجد ساخت. چند سال بعد هم وقفنامه‌ای برای

قدیمی‌ترین تصویر موجود از گنبد و مناره میرنده گوهرشاد در هرات